

حضور و غیاب و جذب جوانان به مسجد

گزارش پنجم متنی نشست و اتسای اتاق فکر صالحین / موضوع: حضور و غیاب و جذب جوانان به نماز جماعت و مسجد

گزارش پنجم.

این جلسه: حضور و غیاب و جذب جوانان به نماز

به تاریخ: چهارشنبه ۹۳/۳/۷ - ویرایش: دانش آموز

عبداللّاه: دو نوع حضور و غیاب در گروه بسته به موقعیت و شرایط بکارگرفته بشه: ۱- علنی ۲- ضمنی و غیرمستقیم

دانش آموز: حضور و غیاب باید جنبه مهم بودن حضور متری رو برسونه.. یعنی وقتی نباشدش جاش خالیه..

دانش آموز: حضور از شروع نماز جماعت.

دانش آموز: اگر متری یکی دو جلسه نبوده.. باس بریم هواش ببینیم مشکلی چیزی یه وقت نداشته.. یا حداقل تلفنی جویای وضعیتش بشیم.. که بدونه برامون مهمه.

سید عبدالله: ما دوتا حضور و غیاب میکنیم... یکی لیست نمازه و دیگری جلسه

سید عبدالله: اهمیت هم با نمازه

سید عبدالله: یعنی برا نماز جایزه هست اما برا جلسه نیست



دانش آموز : کارت امتیاز شرکت در نماز جماعت چگونه.. به جای حضور و غیاب نماز جماعت؟
کارت های کوچکی که سر ماه پس میدن و معادلش امتیاز یا جایزه میگیرن..

سید عبدالله : این شاید اسراف و سختی (تکلف) پیش بیاره
سید عبدالله : نه موافق نیستم

دانش آموز : ... به نظرم برای شروع یا جذب افراد جدید خوبه.. ولی کم کم برداشته بشه... (شیوه ما که با موفقیت پیاده سازی شد).
دانش آموز : کارتها رو بر میگردونن و دوباره وارد چرخه میشه... اسراف نمیشه..

سید عبدالله : کارت که خوبه
سید عبدالله : اما بچه های ما هنوز فرهنگ نگهداری از این چیز ها رو بلد نیستن

سید عبدالله : من مطمئنم که هیچ يك از این کارت های زیبا برنمیگرده
سید عبدالله : البته با مجموعم
سید عبدالله : باور کن

دانش آموز : کار سختی نیست... اگر بخواین راه بندازین.. باید قوانینش رو هم بگین...

اگر برنگرده یعنی امتیازی نصیب طرف نمیشه...

دانش آموز : بعدشم هزینه زیادی نداره. با یک پرینت رنگی A4 شما ۱۶ تا کارت از اینا دارین.. یا به روایتی ۱۲ تا..
۱۰ تا پرینت.. کارتون رو راه میندازه. هزینه هم یه هفتمین میشه سرجمع.

سید عبدالله : من پسندیدم

سید عبدالله : البته به امتحانش هم می ارزه

سید عبدالله : با شروع دوره تا بستانه

مسعود: کارت و امتیاز برای ابتدایی و راهنمایی جذابه
بچه های دبیرستان و جوونا برای کارت نماز و جلسه نمیان
برای اونا چی کار میکنید؟
دانش آموز : حضور و غیاب کیفی.

سید عبدالله : من گروه 15 نفر سوم و چهارم دبیرستان هستند

سید عبدالله : بیشترشون بعد مدرسه کار میکنند

دانش آموز : برای دبیرستان کارت استفاده نکنید.

مسعود: حضور و غیاب کیفی دقیقا ینی چی؟

مسعود: اونی که نماز میاد با اونی که کمتر میاد با اونی که اصلا
نمیاد برای شما چه فرقی ایجاد میکنه؟
دانش آموز : میزان اطلاع آنها از بحثهایی که داخل حلقه می شود.
میزان در جریان بودن شون.. میزان اهمیت داشتن حلقه و جلسه و نماز
براشون.. میزان علاقه شون با تشکیلات.. میزان پیگیر بودن شون..
مشارکت شون ..

دانش آموز : البته لزوم حضور و غیاب کاغذی انکار نمی شود. حداقل
یک چیزی باید باشد که تحویل مقامات بالاتر داده شود..

مسعود: نه منظورم این بود

اونی که همه جلسات حلقه رو میاد و مربی که مثلا یه هفته در میون
میاد شما به عنوان مربی چه برخوردی میکنید
چه تفاوتی بین این دو نفر قایلید
چه مشوق هایی دارید

دانش آموز : باید ریشه یابی بشه علت کم اومدن اوشون رو. ببینیم از سهل انگاریه.. از کم اهمیت دادنه.. از گرفتاریه.. از چیه..

دانش آموز : اگر از عدم علاقه ایشون هستر مشکل از جذب ما است که جذابیت لازم رو ایجاد نکردیم.

سید عبدالله : کمی هم از قابلیت قابل هست

مسعود: خوب رفع موانع حضور یه بحث دیگه ایه شما برای حلقه های ابتدایی و راهنمایی یه مشوق گذاشتین یعنی فرق قایل شدید بین اونی که میاد نماز با اونی که نمیاد حالا نیومدنش به هر دلیل باشه از گرفتن کارت محروم میشه برای جوونا چی کار میشه کرد؟ چه تفاوت هایی میشه قایل شد؟

دانش آموز : سوال سخته.. علما نظر بدن..

مسعود: دقیقا مشوق برای نوجوانان زیاده ولی در سطح جوانان کار یه کم سخت میشه

سید عبدالله : از ظاهر گرفته تا نوع حرف زدن و سلام دادن میشه تفاوت قایل شد

دانش آموز : به نظر من باید مرتب از نماز و نماز جماعت و ارزش و اهمیت اون در حلقه گفته بشه. (روش قطره چکانی و تکرار)

دانش آموز : راست میگه سید.. همون تحویل گرفتن طرف وقتی میاد نماز جماعت..

سید عبدالله : از تمثیلات اقای قرائتی و ایت الله حایری برای اینها باید استفاده کرد

سید عبدالله : چون اولش کتابی یکم شاید حال گیری باشه براشون

مسعود: خوب اونی که میاد نماز تحویلش میگیرید اونی که نیست چی؟ مثلا فردا تو خیابون دیدینش تحویل نمیگیرین

عبدالله : جوونا باید باهاشون رفیق بشی. باید اعتمادشون جلب کنی. باید با رفتارت بهشون بگی براشون مهمی. تحویلشون بگیری. بگی بخندی. باهاشون بیرون بری. باید خلاصه بهشون بفهمونی که با بقیه فرق داری

مسعود: از کجا باید بفهمن این تحویل گرفتن و نگرفتن بابت چیه؟

عبدالله : اونی هم که نمیداد مسجد با سلام و تحیت.

دانش آموز : این مطلب رو از سایت خیبری.. مال خود مسعود گرفتم:

من در این مطلب می‌خواهم به شما بگویم که چگونه می‌توانید با دیگران ارتباط بگیرید و اعتماد آنها را جلب کنید. این موضوع بسیار مهم است و باید به آن توجه ویژه داشته باشید. در ادامه به شما می‌گویم که چگونه می‌توانید با دیگران ارتباط بگیرید و اعتماد آنها را جلب کنید.

اولین قدم این است که با دیگران ارتباط بگیرید. این کار را می‌توانید با سلام و تحیت انجام دهید. سلام و تحیت یک نشانه احترام است و می‌تواند به شما کمک کند تا با دیگران ارتباط بگیرید.

دومین قدم این است که با دیگران ارتباط بگیرید. این کار را می‌توانید با سلام و تحیت انجام دهید. سلام و تحیت یک نشانه احترام است و می‌تواند به شما کمک کند تا با دیگران ارتباط بگیرید.

سومین قدم این است که با دیگران ارتباط بگیرید. این کار را می‌توانید با سلام و تحیت انجام دهید. سلام و تحیت یک نشانه احترام است و می‌تواند به شما کمک کند تا با دیگران ارتباط بگیرید.

چهارمین قدم این است که با دیگران ارتباط بگیرید. این کار را می‌توانید با سلام و تحیت انجام دهید. سلام و تحیت یک نشانه احترام است و می‌تواند به شما کمک کند تا با دیگران ارتباط بگیرید.

<http://tsalehin.blog.ir/post/414>

عبدالله : روز اول سلام. روز دوم سلام خوبی. سوم. خوبی سلامتی چه خبر

سید عبدالله : سلام که سلام خداست و توش کوتاهی نباید کرد

سید عبدالله : اما با خوباش باید گرمتر از همه سلام کرد

عبدالله : البخیل من بخل با السلام. قال سیدنا الحسین

سید عبدالله : بله

عبدالله : اصلا خوب و بد نداریم

عبدالله : با بداش باید گرمتر بود

دانش آموز :

عبدالله : جوونا باید باهاشون رفیق بشی. باید اعتمادشون جلب کنی. باید با رفتارت بهشون بگی براشون مهمی. تحویلشون بگیری. بگی بخندی. باهاشون بیرون بری. باید خلاصه بهشون بفهمونی که با بقیه فرق داری...
لایک داشت.

عبدالله : ممنون حاجی

دانش آموز : حاجی خودتی ما هنوز از شلمچه اونطرفتر نرفتیم.

مسعود: دوستان من متاسفانه قانع نشدم و جواب سوالم رو نگرفتم

سید عبدالله : من با بد جماعت گرم سلام نمیدیم مگر برا سه بار اول...
علی : احسنت

اقای دانشمند میگفت اگه میخوای جوونا رو جذب کنید اول حسابی ازشون تعریف کنید بعد...
مسعود: خوب این که باعث دفع میشه سید عزیز

سید عبدالله : بعد اتمام حجت بین من و اونی که توی خط مستقیم نباشه کاری نیست

سید عبدالله : دفع نمیکنم. چون سلام هست پس دفعی نیست

سید عبدالله : اما گرمی هم نیست

مسعود: ینی اونی که نماز جماعت نیاد از نظر شما تو خط مستقیم نیست؟

سید عبدالله : چون از جنس مردم آخرتی نیست

سید عبدالله : اگه توصیه های پیامبر رو در این باب بخوانی میفهمی چی میگم

علی : سید یعنی میخواین با رفتارتون بهش بگید که کارش درست نیست
سید عبدالله : بله

سید عبدالله : پیامبر میگه کسی که جماعت نماز نخواند

سید عبدالله : به او زن ندهید

مسعود: ینی مستقیم بهش میگید چون نماز جماعت نمیای اینجور رفتار میکنید؟

سید عبدالله : با او سر يك سفره نشینید

دانش آموز : میفرماید به یهودیان امت من سلام نکنید...

سید عبدالله : در خانه اش را اش

سید عبدالله : این که میگم رو تا آخرش از ترس بعضی چیزها نمیرم

سید عبدالله : اما نص صریح حدیث صحیح این رو میگه

مسعود: حاجی با کافر که طرف نیستیم
قطعا بین انسانها فرق هست حتی در ایمانشون
ایمان بنده و شما یکیه؟
اونی که ایمانش کمتره رو کاملا دفع میکنید؟

سید عبدالله : جاذبه و دافعه

مسعود: یه متری هفت روز هفته تو نماز هست یکی دیگه فقط یه روز
شما اونی که فقط یه روز میاد رو دفع میکنید؟

مسعود: با فرض اینکه شرایط دیگرشون یکی باشه

سید عبدالله : شما و من هم بدنمان بصورت طبیعی روزانه دفع میکند

مسعود: یه مربی هفت روز هفته تو نماز هست یکی دیگه فقط یه روز
شما اونی که فقط یه روز میاد رو دفع میکنید؟

سید عبدالله : اما خیر بنده تا سقفه 15روز غیبت در ماه را مشکل ندارم

علی : ولی سید کسی که نماز میخونه ولی اهل نماز جماعت و اول وقت نیست رو به نظرم نباید به این راحتی کمتر تحویلشون بگیریم!!!!!!

مسعود: ینی یه روز در میون
با اونی که فقط یه روز میاد چه برخوردی دارید؟

سید عبدالله : اما نه بخاطر حضور بلکه بخاطر نماز تشویق و تنبیه میکنم

سید عبدالله : تشویق همه جوره

سید عبدالله : تنبیه با کم کردن رابطه ان شخص با خودم

سید عبدالله : البته نه از سمت بنده

مسعود: خوب خدا رو شکر

منظور من همین تشویق و تنبیه ها بود

چه تشویق هایی دارید؟

سید عبدالله : که بنده سعی بر دایم البشر بودن میکنم

سید عبدالله : اما با دائم التذکر دادن

سید عبدالله : ایا دائم التذکر بودن عیبی دارد...از باب امر به معروف و...

مسعود: پس به این راحتی حذفشون نمیکنید

دانش آموز : ما اون کسی رو که کم میاد نماز جماعت... بگو خوب...

توی حلقه که ایشونم هست .. بگو خوب..

در مورد افرادی که در نماز سهل انگاری میکنن و نماز را سبک میشمارن ' یه کم صحبت میکنیم.. آیه و حدیث میگیریم.. بگو خوب..

به طوری که خودش و بعضیا بفهمن منظورمون کیه...
که طرف خجالت بکشه کم کم... و سعی کنه خودشو به نماز برسونه دیگه...
بگو خب.

سید عبدالله : فرق بین ایمان و کفر يك خط است و ان نماز است: قال
رسول الله (ص)

علی : احسنت.

مسعود: دانش جان برای نوجوونا خوبه این روش
مسعود: جوونا چی؟!؟

سید عبدالله : ويل للمصلين...الذين هم عن الصلاة ساهون
سید عبدالله : این لعنت خداست به سبك شمارندگان نماز

دانش آموز : لعنت نه ، وای

دانش آموز : برای جوونا هم خوبه . امتحان کن.

سید عبدالله : اگر فکر میکنید خدا شوخي میکند یا تساهل سخت در
اشتباه و خسرانید.

مسعود: یکی از سرگروه هام همین کارو میکرد
مثلا از لحاظ تعداد حضور در نماز اعضای حلقه رو رتبه بندی میکرد و
تو جلسات جوری شلوغ کاری میکرد که مثلا اونایی که میان خجالت
بکشن
ولی نتیجه عکس اون چیزی بود که فکر میکرد

دانش آموز : باید تکنیک به خرج داد.. هنر جذب ضمن جدیت،
قاطع و کوتاه.. بدون شرمنده کردن زیاد.. شایدم حتی با طنز.

مسعود: سید عزیز در بحث اهمیت جماعت شکی نیست
چیزهایی که میفرمایید کاملا درسته
اما کار بنده و شما همینه که این افراد کاهل به نماز و جماعت رو
بکشونیم تو نماز

مسعود: حالا چه جوری؟

سید عبدالله : این تذکرها شخصی و حضوری است نه در جمع که حرمت انسانهای مومن بالاتر از کعبه است

دانش آموز : مثل تکه پروندن زیبا .

مسعود: برخورد چکشی که نشد کار
طرف میره برای آب خوردن هم دیگه نمیاد مسجد

سید عبدالله : در ضمن بنده در معاشرت با مقصرین در نماز محدودیت قایل میشم نه انقطاع روابط چون یا مسمانند یا ادمیزاد و هر دو واجب المعاشرت

عبدالله : فایده نداره. بر هممون واجبه که یه دوره زندگانی پیامبر و نحوه دعوت ایشان رو بخونیم. نه یکبار. بلکه چند بار

سید عبدالله : اما تفاوت ها را از نحوه سلام بنده با آنان تا پیگیری و مساعدتهای مالی و معنوی و غیره متغیر قرار دادم

مسعود: این روش فقط برای روابطه عادیه
مثلا بنده بین دو تا از دوستانم که یکی نماز میاد و دیگری کمتر از همین که فرمودید استفاده میکنم
در ضمن بنده در معاشرت با مقصرین در نماز محدودیت قایل میشم نه انقطاع روابط چون یا مسمانند یا ادمیزاد و هر دو واجب المعاشرت
اما من مربی ام
کارم هدایته

دانش آموز : امیر این پذیرایی ها چی شد...

سید عبدالله : ولی بدانید که روح ها که هیچ جسم ها هم از بودن در کنار یکدیگر متاثر میشن... پس با هرکس نباید معاشرت کرد...

مسعود: حتی برای تربیت؟
مسعود: پس هیچ پیامبری نباید مبعوث میشد

سید عبدالله : بقول ایت الله جوادی املی : با بعضی ها سلام میدی دو باره انگشتانت را بشمار

دانش آموز : آمریکا !!!
دانش آموز : نه بدبخت جوون شیعه گمراه.

سید عبدالله : هر روز بعد معاشرت با شما و هر شب دوباره سر مسایل مطرح شده فکر میکنم تا خدایی نکرده ایمانم را گم نکنم یا نفروشم... البته با عرض پوزش... اما مراقبت قانونهای خودش رو داره
سید عبدالله : از پشت این شیشه ها دنیا ...

مسعود: خوب این بحث که به نتیجه نرسید تا تکفیر نشدیم خدا حافظ

سید عبدالله : از باب احتیاط گفتم ...

سید عبدالله : ولی باور کنید ادم بی نماز با کم نماز فرق داره
توی چشم من با ادمی که نماز میخونه اما بیشتر فرادا تا جماعت

دانش آموز : دوستان.

اینجا بحثهای طلبگی شده. لطفا خونسردی خودتون رو حفظ کنید تا این
امیر ما پذیرایی رو بیاره.. اعلام تنفس.
به همدیگه دست بدین و روبوسی کنین تا یه وقت خدای نکرده شیطان
برنامه ای نچینه بلا به دور.
با تشکر.
مدیریت تالار.

سید عبدالله : و این بحث برای دبیرستانهای است که به سن بلوغ
رسیدن

سید عبدالله : و الله من که با ابتدایی راهنمایی یه پارچه محبت و
احترامم

سید عبدالله : شرمنده اگه حرفهایم اذیتان کرد

عبد الله : استاد طاهرزاده. ملاک دوست بودن، خودی بودن یا
نبودن. حسینه. هر کی با حسین مشکل نداره دوسته و باید جذب باشه. اگه
جذب نشه دشمن جذبش میکنه

سید عبدالله : بله. .. من هم نگفتم دفعش کنید

سید عبدالله : اما اونیه که نماز نمیخونه با خدا نامحرمه

سید عبدالله : البته من رو باید ببخشید چون بنده 3 ساله که توی

صالحین او مدم

دانش آموز : خوش او مدین، خونه خودتون هست.

سید عبدالله : نه. . . منظورم کار صالحینه

دانش آموز : پ ن پ منظور محصولات لبنیات و بیسکویت صالحینه

سید عبدالله : 2هیج بنفعت مدیر

دانش آموز : کرتیم سید

رحیم : چقدر حرف زدید

امیر : ما دو ساعت نبودیم اینجا کنفرانس برلین گرفتن

دانش آموز : سلام علیکم استاد رحیم

رحیم : علیکم السلام

بحث زیاد بود نتونستم همش رو بخونم

لطفا خلاصش رو سایت بذارید

امیر : بر کسی پوشیده نیست جذب جوانان سخت تر از جذب جوانان است.

برای بعضیا طول میکشه تا جذب بشن.

با سه بار تحویل گرفتن آخر به چه نتیجه ای می رسی سید جان؟

برای جوانان همیشه نسخه پیچید آقا مسعود!

باید سعی کنیم با هنر و استمداد از خدا یواش یواش از جوان دعوت کنیم.

نکته آخر: به کار فرهنگی به دید امر به معروف و نهی از منکر باید نگاه کرد

امیر : اون حدیث رو که گفتم می خواستم بهش استناد کنم. ما در

سیره بزرگان خوش رفتاری هایی با کفار می بینیم. بنابراین کاهل

نماز را کافر هم بدونی از این راه میشه با اون ارتباط داشت البته

در راستای جذب.

امیر : دانش آموز! این صحبتای آخرم باید تو خلاصه بیان و گرنه شر

به پا می کنم.

